

● معنی بیت‌ها

گفت طوطی را «چه خواهی ارمغان کارمت از خطّی هندوستان؟»

معنی: بازرگان به طوطی گفت: «چه چیزی می‌خواهی که به عنوان سوغاتی از هندوستان برای تو بیاورم؟»

گفت آن طوطی که «آنجا طوطیان چون بینی، گن ز حال ما بیان

معنی: طوطی گفت: «وقتی آنجا طوطی‌ها را دیدی، از حال و احوال من برای آن‌ها تعریف کن.

کان فلان طوطی که مشتاق شماست از قضای آسمان در حبس ماست!»

معنی: که آن طوطی که دوست دارد شما را ببیند، از روی سرنوشت، در قفس و اسارت ماست.»

این، چرا کردم؟ چرا دادم پیام؟ سوختم بیچاره را زین گفت خام!

معنی: چرا این کار را کردم؟ چرا این پیام را به او دادم؛ با این سخن نسنجیده و بدون فکر، باعث مرگ این طوطی بیچاره شدم.

کرد بازرگان تجارت را تمام باز آمد سوی منزل، شادکام

معنی: بازرگان داد و ستد خود را به پایان رساند و با خوشحالی به خانه‌اش برگشت.

هر غلامی را بیادرد ارمغان هر کنیزک را بخشید او نشان

معنی: برای هر غلامی هدیه‌ای آورد و سهم هر کنیزک را به او داد.

گفت طوطی: «ارمغان بنده کو؟ آنچه گفתי و آنچه دیدی، بازگو!»

معنی: طوطی گفت: «سوغاتی من کجاست؟ هرچه به طوطی ها گفתי و هرچه دیدی برای من بیان کن.»

گفت: «گفتم آن شکایت های تو با گروهی طوطیان، همتای تو

معنی: بازرگان گفت: «شکایت های تو را به گروهی طوطی مانند تو گفتم.

آن یکی طوطی ز «دلت بوی بُرد زهره اش بدید و لرزید و بُرد!»

معنی: یکی از طوطی ها غم و غصه ی تو را احساس کرد، ترسید و از ناراحتی مرد.»

 بازنویسی شده از کتاب «**مثنوی معنوی**» مولوی

